

بررسی اثر تعدیلی تخصص حسابرس در صنعت بر ارتباط بین راهبری هیئت مدیره و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی: شواهد تجربی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

احمد احمدپور

استاد حسابداری دانشگاه مازندران

اسماعیل توکل‌نیا

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

Esmail.Tavakolnia@gmail.com

نگتم معصومی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۸

چکیده

هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی تأثیر متقابل تخصص حسابرس در صنعت و راهبری هیئت مدیره بر مدیریت سود است. نمونه مورد استفاده دربرگیرنده ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ است و برای پردازش و آزمون فرضیات از مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی استفاده شده است. نتایج نشان داد که تخصص حسابرس در صنعت و استقلال هیئت مدیره تأثیری معکوس و معنادار بر مدیریت سود دارند. ضمناً نتایج بررسی‌ها نشان داد که رابطه معکوس بین مدیریت سود و استقلال هیئت مدیره در شرکت‌هایی که به‌وسیله حسابرسان متخصص صنعت حسابرسی می‌شوند نسبت به آن شرکت‌هایی که به‌وسیله حسابرسان غیرمتخصص صنعت حسابرسی می‌شوند، ضعیف‌تر است.

واژه‌های کلیدی: تخصص حسابرس در صنعت، استقلال هیئت مدیره، مدیریت سود، راهبری شرکتی، بورس اوراق بهادار تهران.

۱- مقدمه

کنگ می‌باشد که در تضاد با رابطه مکمل بین کیفیت راهبری هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی است، کیون^۸ و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند که تخصص حسابرس در صنعت در بهبود کیفیت حسابداری که توسط اقلام تعهدی اختیاری اندازه‌گیری شده است در کشورهایی با محیط قانونی ضعیف، نسبت به کشورهای با محیط قانونی قوی، موثرتر است. مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که حسابرسان متخصص در صنعت ممکن است به عنوان یک جایگزین برای سایر مکانیزم‌های راهبری شرکتی مورد استفاده قرار گیرند.

بنابراین، به روشنی مشخص نشده است که آیا تخصص حسابرس در صنعت مکمل و یا جایگزینی برای راهبری هیئت مدیره است یا خیر. برای روشن‌تر نمودن رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و راهبری هیئت مدیره، در این مطالعه به بررسی رابطه مکمل و یا رابطه جایگزینی بین تخصص حسابرس در صنعت و استقلال هیئت مدیره پرداخته می‌شود. به عبارتی اگر تخصص حسابرس در صنعت بتواند مکمل (جایگزین) راهبری هیئت مدیره باشد، انتظار می‌رود که مدیریت سود دارای ارتباط منفی بیشتر (کمتر) با استقلال هیئت مدیره برای شرکت‌هایی باشد که حسابرسان آن‌ها دارای تخصص بالا در صنعت هستند، نسبت به شرکت‌هایی که حسابرسان آن‌ها تخصص کمتری در صنعت دارند.

۲- مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- مدیریت سود

مطالعات متعددی نشان داده‌اند که مدیران به علل گوناگونی، سود را دستکاری می‌کنند (برای مثال ببینید؛ هیلی و واهلن^۹، ۱۹۹۹؛ پارک و شین^{۱۰}، ۲۰۰۴؛ چو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۶). به علت مشکلات متعاقب عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از مدیریت سود که می‌تواند ارزش سهامداران را کاهش دهد، هم فعالان بازار و هم سیاست‌گذاران، در قبال مدیریت سود، دچار نگرانی هستند (تئو^{۱۲} و همکاران، ۱۹۹۸a و ۱۹۹۸b؛ لویت^{۱۳}، ۲۰۰۷). مدیران دو راه اساسی برای مدیریت سود دارند. آنان می‌توانند به منظور دستیابی به مقدار سود هدف، با دگرگون سازی سطح و یا ماهیت فعالیت‌های اقتصادی، دست به مدیریت سود بزنند (رویچادوری^{۱۴}، ۲۰۰۶) و یا با گزینش سیاست‌های حسابداری و برآورد اقلام تعهدی، دست به مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بزنند (هیلی^{۱۵}، ۱۹۸۵؛ دیفوند و جیامبالو^{۱۶}، ۱۹۹۴؛ تئو و همکاران، ۱۹۹۸a و ۱۹۹۸b).

امروزه سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، جهت ارزیابی واحدهای تجاری، توجه و تمرکز خود را بر گزارشگری مالی و به‌خصوص رقم سود خالص گزارش شده، معطوف می‌کنند. سرمایه‌گذاران به اطلاعات به‌موقع، قابل فهم، در قالب‌هایی که به راحتی قابل تجزیه و تحلیل باشد، نیاز دارند. حال با توجه به این‌که صورت‌های مالی، اطلاعات با ارزشی را برای گروه‌های برون‌سازمانی فراهم می‌کنند، اتکای شدید بر اعداد حسابداری و به‌ویژه سود، انگیزه‌های قدرتمندی را برای مدیران ایجاد می‌کند تا سود را به نفع خودشان دستکاری کنند و در نتیجه باعث قضاوت نادرست سهامداران و سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد و یا ارزش شرکت می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۹۳). به بیان اسشپیر^۱ (۱۹۸۹)، مدیریت سود، مداخله عمدی در فرآیند گزارشگری مالی برای به‌دست آوردن سطح مورد انتظار سود (با توجه به مقاصد و اهداف مختلف مدیریت) است.

حسابرسان متخصص در صنعت دارای دانش و تجربه بیشتری نسبت به حسابرسان غیرمتخصص هستند (دان و ماهیو^۲، ۲۰۰۴). یافته‌های مطالعات پیشین (بالسام^۳ و همکاران، ۲۰۰۳؛ دان و ماهیو، ۲۰۰۴) بیانگر این موضوع است که تخصص حسابرس در صنعت، تأثیر مثبتی بر کیفیت حسابداری دارد و همچنین حسابرسان متخصص در صنعت می‌توانند خدمات حسابرسی با کیفیت بالا را برای مشتریان خود به ارمغان آورند. بنابراین، حسابرسان متخصص در صنعت، نقش مهمی در نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی دارند. حسابرسان متخصص در صنعت، نه تنها از طریق حسابرسی صورت‌های مالی بلکه از طریق تأثیر متقابل بر مکانیزم‌های داخلی راهبری شرکتی مانند هیئت مدیره، می‌توانند باعث محدودتر شدن مدیریت سود شوند.

این در حالی است که حسابرسان با هیئت مدیره دارای تعاملی متقابل می‌باشند (کلین^۴، ۲۰۰۲). بیزلی و پترون^۵ (۲۰۰۱) و کارکلو^۶ و همکاران (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که کیفیت بالای هیئت مدیره، حسابرسان با کیفیت را طلب می‌کند. اگر تعامل متقابل هیئت مدیره و حسابرسان، موثر واقع گردد، هیئت مدیره از استخدام حسابرسان متخصص سود خواهد برد. به معنایی دیگر، ممکن است یک رابطه تکمیلی بین راهبری هیئت مدیره و حسابرسان متخصص در صنعت وجود داشته باشد.

برخلاف تحقیقات صورت گرفته توسط کارکلو و همکاران (۲۰۰۲) و تسوی^۷ و همکاران (۲۰۰۱) که نشانگر رابطه منفی بین استقلال هیئت مدیره با حق الزحمه حسابرسی در هنگ

۲-۲- راهبری شرکتی

نویسندگان نخستین نظریه نمایندگی (اسپنس و زکائوسر^{۱۷}، ۱۹۷۱) تلاش زیادی برای معرفی الگوی اساسی نظریه نمایندگی کرده‌اند. نظریه نمایندگی با این فرض آغاز می‌شود که مردم در راستای منافع شخصی خود فعالیت می‌کنند و دربرگیرنده این موضوع است که تحت شرایط عادی، اهداف، منافع و خطرات دو طرف (مالک و نماینده) یکسان نیست. این نظریه بیان می‌کند وقتی که مدیر، صد در صد سهام شرکت را در تملک ندارد، وجود تضادی پنهان بین سهامداران و مدیر، اجتناب ناپذیر است. این امر موجب مشکلات نمایندگی متعددی می‌گردد مانند: تضاد منافع بین مدیر و سهامدار، خطرات اخلاقی، عدم اطمینان و شراکت ریسک (نمازی، ۱۳۸۴)، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و سهامدار، و اتخاذ تصمیمات نامطلوب (جنسن و مک‌لینگ^{۱۸}، ۱۹۷۶). یکی از راه‌های مشکل نمایندگی، استقرار شیوه‌های مناسب راهبری شرکتی است. شلیفر و ویشنی^{۱۹} (۱۹۹۷) راهبری شرکتی را به‌عنوان راهی تعریف نمودند که به‌وسیله آن، تأمین‌کنندگان مالی شرکت از دریافت بازده در قبال سرمایه‌گذاری خود، اطمینان می‌یابند. گیلان و استارکس^{۲۰} (۱۹۹۸) راهبری شرکتی را به‌عنوان سیستمی از قوانین، قواعد و عوامل تعریف نمودند که عملیات شرکت را کنترل می‌کند.

سازوکارهای راهبری شرکتی، ابزارهای غیرمستقیم و احتمالاً ناقص سهامداران هستند، سهامدارانی که تلاش می‌کنند از طریق تغییر در رفتار مدیرانی که در واقع نمایندگان آن‌ها هستند، هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند (دشماخ^{۲۱}، ۲۰۰۵؛ کانگرتنام^{۲۲} و همکاران، ۲۰۰۷؛ رودرفورد و باچولتز^{۲۳}، ۲۰۰۷؛ چن^{۲۴} و همکاران، ۲۰۰۷). به دو طریق می‌توان از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، رفتار مدیران را تغییر داد: (۱) کاهش مستقیم عدم تقارن اطلاعاتی به وسیله مشوق‌ها؛ و (۲) کاهش غیرمستقیم عدم تقارن اطلاعاتی به‌وسیله نظارت. به ویژه، ممکن است جوائز تنها زمانی کسب شود که مدیران سطح تلاش صرف‌شده خود که در نتیجه آن عدم تقارن اطلاعاتی راجع به عملیات آن‌ها کاهش یافته را آشکار سازند. علاوه بر این، امکان دارد سازوکارهای راهبری شرکتی به‌صورت غیرمستقیم از طریق ارتقای سیستم‌های نظارتی و جداسازی وظیفه مدیرعامل از رئیس هیئت مدیره یا افزایش اعضای مستقل در هیئت مدیره، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند. این اقدامات، از طریق باز کردن پنجره‌ای برای سهامداران به منظور نظارت بر رفتار مدیران، تباری را مهار می‌کنند و زیاده‌خواهی و شانه خالی کردن از مسئولیت را برای مدیریت سخت می‌کنند (البدری^{۲۵} و همکاران، ۲۰۱۰). تحقیقات نشان می‌

دهند که در صورت وجود نظارت موثرتر هیئت مدیره بر مدیریت، کیفیت و کفایت اطلاعات منتشر شده توسط مدیریت افزایش می‌یابد (کارمنو و وافس^{۲۶}، ۲۰۰۵).

۲-۳- راهبری هیئت مدیره و مدیریت سود

مطالعات معدودی به بررسی تأثیر راهبری هیئت مدیره بر کیفیت حسابداری پرداخته‌اند. بیزلی^{۲۷} (۱۹۹۶) در مورد اینکه آیا ترکیب اعضای هیئت مدیره بر احتمال تقلب در صورت‌های مالی تأثیر دارد، تحقیق نموده است. یافته‌های او نشان داد که احتمال رخداد تقلب در صورت‌های مالی در شرکت‌هایی که دارای اعضای غیرموظف بیشتری در هیئت مدیره می‌باشند نسبت به شرکت‌هایی با اعضای غیرموظف کمتر، پایین‌تر است و بیان نمود که تعداد بیشتر اعضای مستقل در هیئت مدیره می‌تواند احتمال رخداد تقلب حسابداری را کاهش دهد. وافس^{۲۸} (۲۰۰۰) از رابطه سود و بازده به عنوان معیار کیفیت سود استفاده نمود. او دریافت که رابطه سود و بازده تحت تأثیر نسبت اعضای غیرموظف در هیئت مدیره قرار ندارد. کلین (۲۰۰۲) به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسان و هیئت مدیره و مدیریت سود پرداخت. او دریافت که استقلال هیئت مدیره و کمیته حسابرسان رابطه منفی با اقدام تعهدی اختیاری دارد.

ژی^{۲۹} و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که استقلال بیشتر هیئت مدیره، دارای ارتباطی معکوس با مدیریت سود از طریق اقدام تعهدی اختیاری است. وافس (۲۰۰۵) نتیجه گرفت زمانی که هیئت مدیره و کمیته حسابرسان کیفیت راهبری بالاتری دارند، دستکاری سود توسط مدیریت کاهش می‌یابد. این نتایج بیانگر این است که کیفیت بالای هیئت مدیره منجر به محدود شدن مدیریت سود می‌شود. ابوت^{۳۰} و همکاران (۲۰۰۴) بررسی نمودند که آیا ساختار کمیته حسابرسان باعث کاهش احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود یا خیر. یافته‌های آنان نشان می‌دهد شرکت‌های دارای سطح بالای استقلال و فعالیت کمیته حسابرسان، به احتمال کمتری به تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌پردازند. بیگس^{۳۱} و همکاران (۲۰۰۴) نیز دریافتند شرکت‌های دارای استقلال بیشتر در هیئت مدیره، خبرهای بد در مورد سود را به‌موقع‌تر شناسایی می‌کنند. بنابراین، استقلال هیئت مدیره می‌تواند کیفیت سود را افزایش دهد.

۴-۲- تخصص حسابرسان در صنعت و مدیریت سود

حسابرسان متخصص در صنعت، کیفیت بالایی از حسابرسی را به مشتریان خود ارائه می کنند که در نتیجه، باعث افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می شود. علت این امر نیز این است که حسابرسان متخصص، دارای دانش و تجربه بیشتری نسبت به حسابرسان غیر متخصص می باشند (بالسام و همکاران، ۲۰۰۳؛ دان و ماهیو، ۲۰۰۴).

بالسام و همکاران (۲۰۰۳) به بررسی وابستگی بین تخصص حسابرسان در صنعت و کیفیت سود پرداختند. آن‌ها دریافتند که تخصص حسابرسان در صنعت، دارای ارتباطی منفی با قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری و دارای ارتباطی مثبت با ضریب واکنش سود است. کریشنان^{۳۲} (۲۰۰۳) دریافت که قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری برای حسابرسان غیرمتخصص بیشتر از حسابرسان متخصص است که این نتیجه منطبق با این استدلال است که حسابرسان متخصص دارای کیفیت بیشتری نسبت به حسابرسان غیر متخصص می باشند.

دان و ماهیو (۲۰۰۴) بررسی نمودند که چگونه تخصص حسابرسان در صنعت بر کیفیت افشائیات تأثیر می گذارد. آنان استدلال می کنند که انتخاب حسابرسان توسط مشتریان ممکن است جزئی از استراتژی افشائیات باشد. آن‌ها این موضوع را مستند کردند که تخصص حسابرسان در صنعت دارای یک رابطه مثبت با کیفیت افشا توسط مشتری دارد. کیون و همکاران (۲۰۰۷) به بررسی نقش حسابرسان متخصص در صنعت در حوزه بین المللی پرداختند. آنان با استفاده از داده‌های ۲۸ کشور در بازه زمانی بین سال‌های ۱۹۹۳-۲۰۰۳ دریافتند شرکت‌هایی که از حسابرسان متخصص استفاده می کنند، دارای ارقام تعهدی اختیاری کمتر و دارای ضریب واکنش سود بیشتر می باشند.

در ایران، اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند شرکت‌هایی که حسابرسان آن‌ها، متخصص صنعت است، دارای سطح مطلق ارقام تعهدی اختیاری کمتر و ضریب واکنش سود بالاتری هستند نسبت به شرکت‌هایی که حسابرسان آن‌ها، متخصص صنعت نیست. به عبارت دیگر، حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی با کیفیت تری به صاحبکاران خود ارائه می کنند.

۵-۲- راهبری هیئت مدیره و کیفیت حسابرسان

در مطالعات پیشین برای بررسی رابطه بین راهبری هیئت مدیره و کیفیت حسابرسان، بر ارتباط بین راهبری هیئت مدیره و حق الزحمه حسابرسان تمرکز شده است که در واقع این حق الزحمه، بازتابی از کیفیت حسابرسان بوده است.

دو استدلال متضاد در رابطه بین راهبری هیئت مدیره و کیفیت حسابرسان وجود دارد. گروهی استدلال می نمایند که کیفیت راهبری هیئت مدیره با حق الزحمه حسابرسان دارای رابطه مثبت است. هیئت مدیره ممکن است از حسابرسان انتظار تلاش بیشتری داشته باشد که این موضوع ممکن است به افزایش حق الزحمه حسابرسان بیانجامد (کارکلو و همکاران، ۲۰۰۲).

گروه مخالف استدلال می کند که بین حق الزحمه حسابرسان و کیفیت راهبری هیئت مدیره یک رابطه منفی وجود دارد. به این علت که ممکن است ارتباط جایگزینی بین مکانیزم راهبری هیئت مدیره و مکانیزم راهبری حسابرسان وجود داشته باشد (تسوی و همکاران، ۲۰۰۱). کارکلو و همکاران (۲۰۰۲) رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و حق الزحمه حسابرسان را برای نمونه‌ای از ۲۵۸ شرکت آمریکایی بررسی کردند. آنان رابطه‌ای مثبت بین ویژگی‌های هیئت مدیره (استقلال، تجربه و سخت کوشی) با حق الزحمه حسابرسان یافتند. آنان اظهار می کنند که کیفیت بالای هیئت مدیره باعث درخواست کار بیشتر از حسابرسان جهت حفظ سرمایه شهرت شرکت به منظور افزایش منافع سهامداران می گردد.

ابور و همکاران (۲۰۰۳) به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسان و حق الزحمه حسابرسان با استفاده از داده‌های ۴۹۲ شرکت آمریکایی به عنوان نمونه پرداختند. آنان دریافتند که حق الزحمه حسابرسان دارای رابطه مثبت با ویژگی‌های کمیته حسابرسان مانند استقلال و تجربه است.

در حوزه ارتباط بین راهبری هیئت مدیره و کیفیت حسابرسان، ابوت و پارکر^{۳۳} (۲۰۰۰) استدلال نموده‌اند که کمیته حسابرسان مستقل و فعال، سطح بالاتری از کیفیت حسابرسان را طلب می کند زیرا بیشتر نگران شهرت و ضررهای مالی شرکت می باشد. آنان با استفاده از داده‌های ۵۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس آمریکا به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دارای کمیته حسابرسان با اعضای غیرموظف و حداقل دوبرابر تشکیل و گردهم آیی در سال، با احتمال بیشتری حسابرسان متخصص را به خدمت می گیرند.

بیزلی و پترونی (۲۰۰۱) به بررسی تأثیر استقلال هیئت مدیره بر انتخاب حسابرسان مستقل در ۶۸۱ شرکت بیمه آمریکایی پرداختند. آنان دریافتند که شرکت‌های بیمه با هیئت مدیره مستقل تر، به احتمال بیشتری به انتخاب حسابرسان متخصص و مشهور می پردازند. آنان اظهار نمودند که اعضای غیرموظف هیئت مدیره، جهت نظارت دقیق تر، ترجیح می دهند که حسابرسان متخصص را به خدمت گیرند.

موضوع باعث تسریع در رویت مدیریت سود توسط هیئت مدیره می‌شود.

بنابراین تخصص بالای حسابرسان در صنعت، ممکن است مکمل کیفیت بالای هیئت مدیره در نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی باشد. بر مبنای بحث‌های صورت گرفته در بالا، انتظار می‌رود که یک رابطه مکمل بین تخصص حسابرس در صنعت و راهبری هیئت مدیره وجود داشته باشد. همچنین، وجود رابطه جایگزینی بین تخصص حسابرس در صنعت و راهبری هیئت مدیره محتمل است، با این حال، انتظار ما وجود یک رابطه مکمل بین آن‌ها می‌باشد. با توجه به جمیع شرایط ذکر شده، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر تبیین می‌گردد:

(۱) ارتباطی معکوس و معنادار بین تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت سود برقرار است.

(۲) ارتباطی معکوس و معنادار بین کیفیت راهبری هیئت مدیره و مدیریت سود برقرار است.

(۳) رابطه بین مدیریت سود و کیفیت راهبری هیئت مدیره در شرکت‌هایی که به وسیله حسابرسان متخصص صنعت حسابرسی می‌شوند نسبت به آن شرکت‌هایی که به وسیله حسابرسان غیرمتخصص صنعت حسابرسی می‌شوند، متفاوت است.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ طبقه بندی پژوهش بر مبنای هدف، از نوع کاربردی است. همچنین از لحاظ طبقه بندی بر حسب روش، از نوع همبستگی می‌باشد. بنابراین از روش رگرسیون چند متغیره و همچنین آزمون‌های پیش فرض استفاده از رگرسیون استفاده شده است که در ادامه تشریح می‌شوند.

جامعه آماری این پژوهش تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و نمونه آماری به روش حذفی بر اساس شرایط زیر برگزیده شده است:

(۱) اطلاعات مالی شرکت برای دوره زمانی پژوهش موجود باشد؛ (۲) در طی دوره پژوهش در بورس حضور داشته باشد؛ (۳) سال مالی آن منتهی به پایان اسفند ماه باشد؛ (۴) جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها، لیزینگ و بیمه نباشد؛ و (۵) در دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.

پس از حذف شرکت‌های فاقد معیارهای یادشده، از بین کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۴۵ شرکت به عنوان جامعه غربال شده آماری این پژوهش باقی ماندند و داده‌های مربوط به ۵ سال (۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱) آن‌ها از صورت‌های مالی حسابرسی شده، گزارش‌های حسابرسی، نرم افزار تدبیرپرداز و همچنین از سیستم نرم

سان و لیو^{۳۴} (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت و راهبری هیئت مدیره بر مدیریت سود در ایالات متحده پرداختند. آنان پس از انجام تجزیه و تحلیل‌های متعدد نتیجه گرفتند که ارتباط معکوس بین راهبری هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت‌هایی که از حسابرسان متخصص صنعت استفاده می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که از حسابرسان متخصص صنعت استفاده نمی‌کنند، شدیدتر است.

البته در ایران نیز تحقیقاتی درباره تأثیر هیئت مدیره بر مدیریت سود انجام شده است. مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) ارتباطی معنادار بین درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و مدیریت سود نیافتند، این در حالی است که ستایش و همکاران (۱۳۸۹) و آقایی و چالاکلی (۱۳۸۸) از اثر کاهشی درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر مدیریت سود خبر دادند.

به طور کلی، تحقیقات پیشین درباره رابطه بین راهبری هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی، بیان می‌کنند که حداقل در برخی از شرکت‌ها، کیفیت بالای هیئت مدیره، کیفیت بالای حسابرسی را طلب می‌کند. لذا اینگونه استدلال می‌شود که اعضای هیئت مدیره از حسابرسان با کیفیت بالا جهت نظارت موثر بر مدیریت استفاده می‌کنند. اما تحقیقات محدودی شواهد صریحی مبنی بر منافع استفاده از حسابرسان متخصص برای کیفیت بالای هیئت مدیره ارائه می‌کنند.

۳- فرضیه‌های پژوهش

به بیان سان و لیو (۲۰۱۳)، اعضای غیرموظف هیئت مدیره، به خصوص آنانی که در کمیته حسابرسی نیز حضور دارند، این فرصت را در اختیار دارند که به طور پیوسته با حسابرسان نشست داشته باشند تا صورت‌های مالی شرکت و روند حسابرسی و سیستم کنترل داخلی را مرور نمایند. در طی این نشست، حسابرسان می‌توانند توصیه‌هایی به اعضای غیرموظف جهت نظارت کارآمدتر آنان بر فرآیند گزارشگری مالی ارائه کنند. اعضای غیرموظف می‌توانند از طریق مداخله در بحث‌های حسابرسان با مدیران، از مشکلات حسابداری بالقوه باخبر شوند. بنابراین حسابرسان می‌توانند نقش اعضای غیرموظف را در نظارت بر مدیریت تقویت کنند که این موضوع، نشان می‌دهد حسابرسان مستقل می‌توانند مکملی برای راهبری هیئت مدیره باشند.

زمانی که حسابرسان متخصص در صنعت، یک مشکل حسابداری را شناسایی می‌کنند و بر سر اصلاح ارقام حسابداری با مدیریت وارد کش مکش می‌شوند، هیئت مدیره نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند. هیئت مدیره با کیفیت راهبری بالاتر، به احتمال بیشتری نظرات حسابرسان را می‌پذیرد که این

افزاری تهیه شده توسط واحد «مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار»، استخراج شد.

کیفیت حسابرسی متمایز کرده است. سهم بازار حسابسان به صورت زیر محاسبه می‌شود:

۵- مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$ADAC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BDIND_{i,t} + \beta_2 AISPE_{i,t} + \beta_3 FSIZE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 MB_{i,t} + \beta_6 NOA_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \beta_8 BDIND * AISPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

ADAC = کیفیت ارقام تعهدی که برای محاسبه آن از مدل مدیریت سود جونز استفاده می‌شود. در این روش، ارقام تعهدی اختیاری طی دو مرحله برآورد می‌شوند. در ابتدا، متغیر کل ارقام تعهدی (که تفاوت بین سود خالص و جریان وجه نقد عملیاتی است) در رگرسیون متشکل از متغیرهای کلیدی که انتظار می‌رود بر آن اثر گذارند، قرار می‌گیرد. به صورت زیر:

$$ACC_{it}/TA_{it-1} = \alpha_1 (1/TA_{it-1}) + \alpha_2 (\Delta REV_{it}/TA_{it-1}) + \alpha_3 (PPE_{it}/TA_{it-1}) + \varepsilon_{it}$$

که در آن، i شاخص شرکت و t شاخص زمان، ACC_{it} نشانگر کل ارقام تعهدی است که برابر است با سود خالص منهای جریان وجه نقد ناشی از عملیات، ΔREV_{it} تغییر در فروش، PPE_{it} کل اموال، ماشین آلات و تجهیزات، و TA_{it-1} کل دارایی‌های شرکت در سال قبل است. از ضرایب برآورده شده $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3, \alpha_4$ برای محاسبه ارقام تعهدی اختیاری به شکل زیر استفاده می‌گردد.

$$DA_{it} = \varepsilon_{it} = ACC_{it}/TA_{it-1} - \{\alpha_1 (1/TA_{it-1}) + \alpha_2 (\Delta REV_{it}/TA_{it-1}) + \alpha_3 (PPE_{it}/TA_{it-1})\}$$

مقادیر بالاتر ارقام تعهدی اختیاری، به مدیریت سود بیشتر تفسیر می‌گردد. از قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری برای محاسبه مدیریت سود (افزایشی یا کاهش) استفاده می‌شود.

BDIND = استقلال هیئت مدیره است که برای محاسبه آن از نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره استفاده می‌شود.

AISPE = تخصص حسابرس در صنعت است که در این تحقیق از سهم بازار به عنوان شاخصی برای تخصص حسابرس در صنعت بهره گرفته می‌شود؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابسان نشان می‌دهد. هر چه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقیبان بیشتر است. داشتن سهم غالب بازار اشاره دارد به اینکه حسابرس به طور موفقیت‌آمیزی خود را از سایر رقیبان از لحاظ

مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران هر موسسه حسابرسی خاص در صنعت خاص
مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران در این صنعت

موسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان (یعنی معادله فوق) بیش از مقدار $[1/3 * (\text{تعداد شرکت‌های موجود})]$ باشد. پس از محاسبه سهم بازار یک موسسه حسابرسی، اگر مقدار به دست آمده از مقدار معادله فوق، بیشتر باشد، موسسه حسابرسی در آن صنعت، متخصص است. بنابر این اگر حسابرس، متخصص صنعت باشد، عدد یک را می‌گیرد و در غیر اینصورت، برابر صفر است (حبیب و بایان^{۳۵}، ۲۰۱۱).

FSIZE = اندازه شرکت است که برای محاسبه آن از لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت استفاده می‌شود.

LEV = اهرم مالی که برابر است با نسبت بدهی بلندمدت به کل دارایی‌های شرکت.

MB = فرصت‌های رشد شرکت که برابر با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت است.

NOA = خالص دارایی‌های عملیاتی که مساوی است با حقوق صاحبان سهام منهای موجودی نقدی ابتدای دوره شرکت به علاوه کل بدهی‌های ابتدای دوره تقسیم بر درآمد فروش سال قبل.

LOSS = زیان‌ده بودن شرکت که اگر شرکت زیان خالص داشته باشد، برابر با یک در نظر گرفته می‌شود وگرنه برابر با صفر خواهد بود.

گفتنی است متغیر $BDIND * AISPE$ برای سنجش اثر تعدیلی تخصص حسابرس در صنعت بر ارتباط بین راهبری هیئت مدیره و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی استفاده می‌گردد.

۶- یافته‌های پژوهش

داده‌های مربوط به ۱۴۵ شرکت عضو نمونه آماری پژوهش، طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱، از بانک‌های اطلاعاتی موجود استخراج شده و به نرم افزار Excel منتقل گشت. پس از انجام محاسبات لازم برای متغیرهای مستقل و وابسته، اطلاعات لازم برای آزمون آماری مورد نیاز، در پرونده‌های مناسب ذخیره شد و در نرم افزار Eviews7 پردازش شد.

۱-۶- بررسی پایایی متغیرها

پیش از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، پایایی متغیرها باید بررسی شود. پایایی متغیرهای پژوهش به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوارتال‌ها متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه، استفاده از این متغیرها در مدل، باعث به‌وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. به این منظور، از آزمون‌هایی نظیر لوین، لین و چو، آزمون ایم، پسران و شین و آزمون دیکی فولر می‌توان استفاده نمود. در این تحقیق از آزمون ایم، پسران و شین استفاده شده که خروجی‌های آن در جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول ۲- تخمین مدل مدیریت سود

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	۰/۰۵۲	۰/۰۱۲	۴/۱۳۲	۰/۰۰۰
1/TA	-۱۳۹۶۲/۲۹	۲۷۵۰/۵۸	-۵/۰۷۶	۰/۰۰۰
$\Delta REV/TA$	۰/۰۸۹	۰/۰۱۷	۵/۱۳۳	۰/۰۰۰
PPE/TA	-۰/۱۴۵	۰/۰۳۲	-۴/۴۵۹	۰/۰۰۰
آماره $F = ۸/۱۶۶$		ضریب تعیین = ۰/۶۸۵		
سطح معناداری = ۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۶۰۱		
آماره دوربین واتسون = ۲/۰۵۴				
سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰		سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۰۱		
مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی				

۲-۶- آزمون فرضیه‌ها

در ادامه به آزمون فرضیه‌های تدوین شده در پژوهش پرداخته می‌شود. نتیجه آزمون فرضیه‌های تحقیق در جدول شماره سه ارائه شده است. گفتنی است بنابر نتیجه آزمون چاو از مدل داده‌های تابلویی و بنابر نتیجه آزمون هاسمن از مدل اثرات ثابت استفاده شده است.

جدول ۱- بررسی پایایی متغیرها

متغیر	آماره t	معناداری
1/TA	-۸/۳۰۶	۰/۰۰۰
$\Delta REV/TA$	-۱۶/۰۱۱	۰/۰۰۰
PPE/TA	-۱۰/۸۵۹	۰/۰۰۰
مدیریت سود	-۲۰/۳۲۸	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۱۲/۷۴	۰/۰۰۰
تخصص حسابررس در صنعت	-۱۴/۸۸۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۹/۷۲۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۱۵/۹۶۹	۰/۰۰۰
فرصت‌های رشد	-۱۲/۵۴۵	۰/۰۰۰
خالص دارایی‌های عملیاتی	-۱۱/۴۷۱	۰/۰۰۰
زیان‌ده بودن	-۱۸/۳۰۷	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابررس در صنعت	-۱۳/۵۲۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول شماره یک، مقدار سطح معناداری تمام متغیرهای پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است و بنابراین، همگی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی در سطح پایا هستند. سپس، به شناسایی روش مناسب برای تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۳- آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	۰/۲۸۵	۰/۰۱۶	۱۶/۹۵۷	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۱۰۹	۰/۰۲۱	-۵/۰۷۱	۰/۰۰۰
تخصص حسابررس در صنعت	-۰/۱۰۳	۰/۰۱۱	-۹/۲۴۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	-۷/۰۳۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۴۸	۰/۰۲۵	۱/۹۲۵	۰/۰۵۴
فرصت‌های رشد	۰/۰۳۷	۰/۰۰۵	۷/۱۹۲	۰/۰۰۰
خالص دارایی‌های عملیاتی	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۰۸	-۳/۴۹۷	۰/۰۰۰
زیان‌ده بودن	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۱/۱۶۱	۰/۲۴۵
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابررس در صنعت	۰/۱۱۸	۰/۰۲۳	۵/۰۹۴	۰/۰۰۰
آماره $F = ۷۱/۵۰۴$		ضریب تعیین = ۰/۴۵۷		
سطح معناداری = ۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۴۵		
آماره دوربین واتسون = ۱/۵۶۲				
سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰		سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۰۰		
مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی				

۲-۶- تخمین ضرایب مدل مدیریت سود

در ابتدا به تخمین مدل مدیریت سود پرداخته می‌شود. نتیجه تخمین مدل مذکور در جدول شماره هفت ارائه شده است. با استفاده از ضرایب به دست آمده در این مدل، اقدام به محاسبه مقادیر مدیریت سود می‌نماییم. لازم به ذکر است که در تخمین مدل محاسبه مدیریت سود، بنابر نتیجه آزمون چاو و آزمون هاسمن از مدل اثرات ثابت استفاده شده است.

با توجه به جدول شماره سه، از آنجا که سطح معناداری متغیرهای استقلال هیئت مدیره و تخصص حسابررس در صنعت

۲-۷- تحلیل اضافی: بررسی آثار تعدیلی

در ادامه پژوهش به منظور دستیابی به نتایج بیشتر، اثر تعدیلی متغیرهای کنترلی بر ارتباط یافت شده، بررسی می-گردد. اثر تعدیلی اندازه شرکت، اهرم مالی، فرصت‌های رشد، خالص دارایی‌های عملیاتی و زیان‌ده بودن شرکت در ادامه ارائه شده است.

هدف اصلی از انجام این بررسی، کسب اطلاعات اضافی از چگونگی اثر تعدیلی تخصص حسابرس در صنعت بر ارتباط بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تحت شرایط گوناگون است.

اثر تعدیلی اندازه شرکت در جدول شماره چهار ارائه شده است. بنابر نتایج مذکور، اندازه شرکت دارای اثر تعدیلی کاهشی بر نقش جایگزینی استقلال هیئت مدیره و تخصص حسابرس در صنعت می‌باشد. به این معنا که هرچه اندازه شرکت بزرگتر باشد، تخصص حسابرس در صنعت به میزان کمتری می‌تواند جایگزین استقلال هیئت مدیره گردد.

اثر تعدیلی اهرم مالی در جدول شماره پنج ارائه شده است. بنابر نتایج مذکور، اهرم مالی نیز دارای اثر تعدیلی کاهشی بر نقش جایگزینی استقلال هیئت مدیره و تخصص حسابرس در صنعت است. توضیح این‌که هرچه نسبت بدهی بلندمدت شرکت بیشتر باشد، تخصص حسابرس در صنعت به میزان کمتری می‌تواند جایگزین استقلال هیئت مدیره گردد.

کمتر از ۰/۰۵ و ضریب آن‌ها منفی است، لذا متغیرهای مذکور تأثیری معکوس و معنادار بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی دارند. بنابراین، فرضیه‌های اول و دوم پژوهش تأیید می‌شوند.

این در حالی است که سطح تأثیر متغیر حاصلضرب متغیرهای استقلال هیئت مدیره و تخصص حسابرس در صنعت که معیار آزمون فرضیه سوم پژوهش است، نیز کمتر از ۰/۰۵ و ضریب آن مثبت است. این نشان می‌دهد که متغیر مذکور دارای اثری مستقیم و معنادار بر مدیریت سود است. این در حالی است که همانطور که پیشتر گفته شده بود، اگر تخصص حسابرس در صنعت بتواند جایگزین راهبری هیئت مدیره باشد، مدیریت سود دارای ارتباط منفی کمتر با استقلال هیئت مدیره برای شرکت‌هایی خواهد بود که حسابرسان آن‌ها دارای تخصص بالا در صنعت هستند، نسبت به شرکت‌هایی که حسابرسان آن‌ها تخصص کمتری در صنعت دارند. بنابراین نقش جایگزینی استقلال هیئت مدیر و تخصص حسابرس در صنعت تأیید می‌گردد. به این ترتیب فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه "رابطه بین مدیریت سود و کیفیت راهبری هیئت مدیره در شرکت‌هایی که به‌وسیله حسابرسان متخصص حسابرسی می‌شوند نسبت به آن شرکت‌هایی که به‌وسیله حسابرسان غیرمتخصص صنعت حسابرسی می‌شوند، متفاوت است" نیز تأیید می‌گردد.

جدول ۴- آزمون اضافی - اثر تعدیلی اندازه شرکت

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	۰/۳۰۲	۰/۰۳۶	۸/۳۲	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۳۵	۰/۰۲۵	-۲/۵۹۳	۰/۰۰۹
تخصص حسابرس در صنعت	-۰/۰۳۱	۰/۰۱۶	-۳/۰۴۸	۰/۰۰۲
اندازه شرکت	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۳	-۶/۱۷۳	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۴	۰/۰۲۳	۱/۶۸۴	۰/۰۹۲
فرصت‌های رشد	۰/۰۳۹	۰/۰۰۵	۷/۸۵۷	۰/۰۰۰
خالص دارایی‌های عملیاتی	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	-۳/۶۳۹	۰/۰۰۰
زیان‌ده بودن	۰/۰۱۳	۰/۰۰۷	۱/۷۵۷	۰/۰۷۹
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابرس در صنعت	۰/۲۱۶	۰/۰۸۳	۲/۵۸۵	۰/۰۰۹
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابرس در صنعت * اندازه شرکت	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	-۳/۵۲۹	۰/۰۰۰
آماره F = ۱۵/۴۵۳	ضریب تعیین = ۰/۱۷			
سطح معناداری = ۰/۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۱۵۹			
آماره دوربین و اتسون = ۱/۵۷۸				
سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰	سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۰۰			
مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی				

جدول ۵- آزمون اضافی - اثر تعدیلی اهرم مالی

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	۰/۲۶۸	۰/۰۱۷	۱۵/۱۲۱	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۹۷	۰/۰۲۲	-۴/۳۹۸	۰/۰۰۰
تخصص حسابرِس در صنعت	-۰/۰۹۶	۰/۰۱۱	-۸/۱۹۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	-۷/۱۰۸	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۱۳	۰/۰۴۳	۲/۹۹۱	۰/۰۰۲
فرصت‌های رشد	۰/۰۳۶	۰/۰۰۵	۷/۰۶۵	۰/۰۰۰
خالص دارایی‌های عملیاتی	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	-۳/۴۱۸	۰/۰۰۰
زیان‌ده بودن	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۹۸۷	۰/۳۲۳
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابرِس در صنعت	۰/۱۳۱	۰/۰۲۴	۵/۳۴۸	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابرِس در صنعت * اهرم مالی	-۰/۲۵۳	۰/۰۸۴	-۲/۹۸۸	۰/۰۰۲
آماره F = ۴۰/۵۸۱		ضریب تعیین = ۰/۳۵		
سطح معناداری = ۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۳۴۱		
آماره دوربین و اتسون = ۱/۵۵۹				
سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰		سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۰۰		
مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی				

جدول ۶- آزمون اضافی - اثر تعدیلی فرصت‌های رشد

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	۰/۲۷۸	۰/۰۱۸	۱۵/۰۵۷	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۱۰۵	۰/۰۲۲	-۴/۷	۰/۰۰۰
تخصص حسابرِس در صنعت	-۰/۰۹۹	۰/۰۱۱	-۸/۳۴۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	-۶/۹۸۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۴۷	۰/۰۲۵	۱/۸۹۴	۰/۰۵۸
فرصت‌های رشد	۰/۰۳۷	۰/۰۰۷	۴/۸۶۴	۰/۰۰۰
خالص دارایی‌های عملیاتی	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	-۳/۵۰۱	۰/۰۰۰
زیان‌ده بودن	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷	۱/۱۹۸	۰/۲۳۱
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابرِس در صنعت	۰/۱۱۸	۰/۰۳۶	۳/۲۲۱	۰/۰۰۱
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابرِس در صنعت * فرصت‌های رشد	-۰/۰۰۲	۰/۰۱۴	-۰/۱۸	۰/۸۵۶
آماره F = ۴۸/۲۱۹		ضریب تعیین = ۰/۳۹		
سطح معناداری = ۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۳۸۲		
آماره دوربین و اتسون = ۱/۵۶۳				
سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰		سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۰۰		
مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی				

عملیاتی دارای اثر تعدیلی معناداری بر نقش جایگزینی شده است. بنابر نتایج مذکور، فرصت‌های رشد دارای اثر تعدیلی معناداری بر نقش جایگزینی استقلال هیئت مدیره و تخصص حسابرِس در صنعت نیست. اثر تعدیلی زیان‌ده بودن در جدول شماره هشت ارائه شده است. بنابر نتایج مذکور، زیان‌ده بودن دارای اثر تعدیلی معناداری بر نقش جایگزینی استقلال هیئت مدیره و تخصص حسابرِس در صنعت نیست.

اثر تعدیلی فرصت‌های رشد در جدول شماره شش ارائه شده است. بنابر نتایج مذکور، فرصت‌های رشد دارای اثر تعدیلی معناداری بر نقش جایگزینی استقلال هیئت مدیره و تخصص حسابرِس در صنعت نیست. اثر تعدیلی خالص دارایی‌های عملیاتی در جدول شماره هفت ارائه شده است. بنابر نتایج مذکور، خالص دارایی‌های

جدول ۷- آزمون اضافی - اثر تعدیلی خالص دارایی‌های عملیاتی

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	۰/۲۹۱	۰/۰۱۶	۱۷/۶۵۵	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۱۱۳	۰/۰۲۱	-۵/۲۶۵	۰/۰۰۰
تخصص حسابرس در صنعت	-۰/۱۰۵	۰/۰۱۱	-۹/۵۹۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	-۷/۰۹۹	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۴۷	۰/۰۲۵	۱/۸۸۷	۰/۰۵۹
فرصت‌های رشد	۰/۰۳۷	۰/۰۰۵	۷/۱۸۶	۰/۰۰۰
خالص دارایی‌های عملیاتی	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	-۲/۷۲۵	۰/۰۰۶
زبان‌ده بودن	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۱/۱۴۱	۰/۲۵۴
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابرس در صنعت	۰/۱۱۸	۰/۰۲۴	۴/۷۹۵	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابرس در صنعت * خالص دارایی‌های عملیاتی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۵۱۹	۰/۶۰۳
آماره F = ۸۳/۸۶۴		ضریب تعیین = ۰/۵۲۶		
سطح معناداری = ۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۵۲		
آماره دوربین واتسون = ۱/۵۶۴				
سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰		سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۰۰		
مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی				

جدول ۸- آزمون اضافی - اثر تعدیلی زبان‌ده بودن

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
ضریب ثابت	۰/۲۸۱	۰/۰۱۷	۱۶/۳۳۴	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۱۰۶	۰/۰۲۲	-۴/۸۳۵	۰/۰۰۰
تخصص حسابرس در صنعت	-۰/۱	۰/۰۱۱	-۸/۶۶۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۱	-۶/۹۷۹	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۴۷	۰/۰۲۵	۱/۸۷۷	۰/۰۶
فرصت‌های رشد	۰/۰۳۷	۰/۰۰۵	۷/۱۲۷	۰/۰۰۰
خالص دارایی‌های عملیاتی	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	-۳/۴۹۳	۰/۰۰۰
زبان‌ده بودن	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۹۹۴	۰/۳۲
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابرس در صنعت	۰/۱۱۶	۰/۰۲۴	۴/۸۴۷	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره * تخصص حسابرس در صنعت * زبان‌ده بودن	-۰/۰۰۹	۰/۰۲۶	-۰/۳۵۳	۰/۷۲۳
آماره F = ۵۱/۶۴۷		ضریب تعیین = ۰/۴۰۶		
سطح معناداری = ۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۳۹۸		
آماره دوربین واتسون = ۱/۵۶۲				
سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰		سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۰۰		
مدل اثرات ثابت و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی				

۷- بحث و نتیجه‌گیری

در ادبیات حسابداری، ارائه تعریفی روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلب‌های مالی مشخص نمی‌باشد. به بیان هیلی و واهلن (۱۹۹۹)، مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را

در مجموع، نتایج تحلیل‌های اضافی نشان می‌دهد که اندازه شرکت و اهرم مالی اثر تعدیلی کاهشی بر نقش جایگزینی استقلال هیئت مدیره و تخصص حسابرس در صنعت دارند. این در حالی است که اثر تعدیلی سایر متغیرهای کنترلی رد شد.

سود باشد. گفتنی است که این نتیجه در تضاد با یافته سان و لیو (۲۰۱۳) می‌باشد.

علاوه بر این، نتایج تحلیل‌های اضافی نشان داد که اندازه شرکت و اهرم مالی اثر تعدیلی کاهشی بر نقش جایگزینی استقلال هیئت مدیر و تخصص حسابرسان در صنعت دارند. به این معنا که با افزایش اندازه شرکت و اهرم مالی آن، از شدت نقش جایگزینی استقلال هیئت مدیر و تخصص حسابرسان در صنعت کاسته می‌شود.

از آنجا که آثار تخصص حسابرسان در صنعت و استقلال هیئت مدیره قابلیت جایگزینی توسط یکدیگر را دارند، به تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد که با توجه جدی به این مسئله، در نظر داشته باشند که وجود ضعف در هر کدام از این دو ویژگی تا حدودی به‌وسیله ویژگی دیگر قابل جبران است که البته این امر در شرکت‌های بزرگ‌تر و با سطح بدهی بلندمدت بیشتر، کمتر خواهد بود.

به پژوهشگران علاقمند پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی آثار متقابل سایر ویژگی‌های حسابرسان و هیئت مدیره بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و همچنین مدیریت سود واقعی را نیز بررسی نمایند.

فهرست منابع

- * آقای، محمدعلی و چالاکی، پری. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری، سال اول، شماره ۴، صص ۷۷-۵۴.
- * اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر و ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرسان و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱ (۲۰۱)، ۱۷-۳۲.
- * افلاطونی، عباس و نیکبخت، لیلی (۱۳۸۹). کاربرد اقتصادسنجی در تحقیقات حسابداری، مدیریت مالی و علوم اقتصادی. چاپ اول، تهران: انتشارات ترمه.
- * انصاری، عبدالمهدی؛ خورشیدی، علیرضا و شیرزاد، علی. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و واقعی سود بر نقدشوندگی سهام و ارزش شرکت. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسان، مدیریت، ۳ (۱۱)، ۴۱-۵۳.
- * ستایش، محمدحسین؛ قربانی، اصغر و گل محمدی، مریم. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر هموارسازی

جهت تغییر گزارشگری مالی دست‌کاری نمایند. این عمل به قصد گمراه نمودن برخی از صاحبان سود در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت یا تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود مشخصی می‌باشد، صورت می‌گیرد.

مطالعات پیشین استنتاج نموده‌اند که معمولاً شرکت‌هایی که هزینه‌های نمایندگی بیشتری دارند، مدیریت سود بیشتری نیز خواهند داشت. برای مثال، وارفیلد^{۳۶} و همکاران (۱۹۹۵) نشان دادند شرکت‌هایی که مالکیت مدیریتی کمتری دارند (معیاری برای هزینه‌های نمایندگی بیشتر)، مدیریت سود (محاسبه شده با ارقام تعهدی اختیاری) بیشتری نیز خواهند داشت.

با در نظر گرفتن ادبیات موجود، به روشنی مشخص نشده است که آیا تخصص حسابرسان در صنعت مکمل و یا جایگزینی برای راهبری هیئت مدیره است یا خیر. برای روشن‌تر نمودن رابطه بین تخصص حسابرسان در صنعت و راهبری هیئت مدیره، در این مطالعه به بررسی تأثیر مشترک تخصص حسابرسان در صنعت و استقلال هیئت مدیره بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. در واقع اینطور فرض شد که رابطه بین مدیریت سود و کیفیت راهبری هیئت مدیره در شرکت‌هایی که به‌وسیله حسابرسان متخصص صنعت حسابرسان می‌شوند نسبت به آن شرکت‌هایی که به‌وسیله حسابرسان غیرمتخصص صنعت حسابرسان می‌شوند، متفاوت است.

نتیجه بررسی‌ها نشان داد که استقلال هیئت مدیره منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود. این نتیجه را می‌توان منطبق با یافته‌ها و استدلال‌های آقای و چالاکی (۱۳۸۸)، ستایش و همکاران (۱۳۸۹)، بیزلی (۱۹۹۶)، کلین (۲۰۰۲)، ژو و همکاران (۲۰۰۳)، ابوت و همکاران (۲۰۰۴)، بیبکس و همکاران (۲۰۰۴)، وافس (۲۰۰۵) و سان و لیو (۲۰۱۳) و در تضاد با یافته‌های مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) و وافس (۲۰۰۰) دانست.

دیگر نتیجه تحقیق حاضر، تأثیر معکوس و معنادار تخصص حسابرسان در صنعت بر مدیریت سود است که دارای انطباق با یافته‌های اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸)، بالسام و همکاران (۲۰۰۳)، کریشنن (۲۰۰۳)، دان و ماهیو (۲۰۰۴) و کیون و همکاران (۲۰۰۷) است.

مهم‌ترین نتیجه تحقیق حاضر، تأیید نقش جایگزینی استقلال هیئت مدیر و تخصص حسابرسان در صنعت بوده است. در واقع مشخص شد که تأثیر تخصص حسابرسان در صنعت می‌تواند جایگزینی برای تأثیر استقلال هیئت مدیره بر مدیریت

- * Elbadry, A., Gounopoulos, D., and Skinner, F.S. (2010). Governance Quality and Information Alignment. Available at: <http://ssrn.com>.
- * Gillan, S. L., and Starks L. T. (1998). A survey of shareholder activism: Motivation and empirical evidence. *Contemporary Finance Digest*, 2 (3), 10-34.
- * Habib, A. and Bhaiyan, M.B. (2011). Audit firm industry specialization and the audit report lag. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. 20, pp. 32-44.
- * Healy, P.M. & Wahlen, J.M. (1999). A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting. *Accounting Horizons*, 13, 365- 383.
- * Healy, P.M. (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 7, 85-107.
- * Jensen, M. C., and Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, (October), 305-360.
- * Kanagaretnam, K., Lobo, G., and Whalen, D. (2007). Does good corporate governance reduce information asymmetry around quarterly earnings announcements?. *Journal of Accounting and Public Policy*, 26 (4), 497-522.
- * Karamanou, I., and Vafeas, N. (2005). The Association between Corporate Boards, Audit Committees, and Management Earnings Forecasts: An Empirical Analysis. *Journal of Accounting Research*, 43, 453-486.
- * Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 33, pp. 375-400.
- * Krishnan, G.V. (2003). Does Big 6 auditor industry expertise constrain earnings management? *Accounting Horizons*, Vol. 17, pp. 1-16.
- * Kwon, S.Y., Lim, C.Y. and Tan, P. (2007). Legal systems and earnings quality: the role of auditor industry specialization. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 26, pp. 25-55.
- * Levitt, A. (2007). Standards deviation. *The Asian Wall Street Journal*.
- * Park, Y. & Shin, H.-H. (2004). Board composition and earnings management in Canada. *Journal of Corporate Finance*, 10, 431-457.
- * Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42, 335-370.
- * Rutherford, M., and Buchholtz, A. (2007). Investigating the relationship between board characteristics and board information. *Corporate Governance: An International Review*, 15, 576-584.
- * Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons*, 3, 91-102.
- * Shleifer, A., and Vishny, R. (1997). A survey of corporate governance. *Journal of Finance*, 52, 737-775.
- سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری، سال دوم، شماره ۷، صص ۳۴-۵۱.
- * مشایخ، شهناز و اسماعیلی، مریم. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵، صص ۲۵-۴۴.
- * نمازی، محمد. (۱۳۸۴). بررسی کاربردهای نظریه نمایندگی در حسابداری مدیریت. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۴۳، ۱۴۷-۱۶۴.
- * Abbott, L.J. and Parker, S. (2000). Audit committee characteristics and auditor selection. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 19, pp. 47-66.
- * Abbott, L.J., Parker, S. and Peters, G.F. (2004). Audit committee characteristics and restatements. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 23, pp. 69-87.
- * Balsam, S., Krishnan, J. and Yang, J.S. (2003). Auditor industry specialization and earnings quality. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 22, pp. 71-97.
- * Beasley, M.S. (1996). An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud. *The Accounting Review*, Vol. 71, pp. 443-65.
- * Beasley, M.S. and Petroni, K.R. (2001). Board independence and audit-firm type. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 20, pp. 97-114.
- * Beekes, W., Pope, P. and Young, S. (2004). The link between earnings timeliness, earnings conservatism and board composition: evidence from the UK. *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 12, pp. 47-59.
- * Carcello, J.V., Hermanson, D.R., Neal, T.L. and Riley, R.A. Jr (2002). Board characteristics and audit fees. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 19, pp. 365-84.
- * Chen, W. P., Chung, H., Lee, C., and Liao, W. L. (2007). Corporate governance and equity liquidity: analysis of S&P transparency and disclosure rankings. *Corporate Governance: An International Review*, 15, 644-660.
- * Chou, D.W., Gombola, M. & Liu, F.Y. (2006). Earnings management and stock performance of reverse leveraged buyouts. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 41, 407-437.
- * DeFond, M. & Jiambalvo, J. (1994). Debt covenant violation and manipulation of accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 17, 145-176.
- * Deshmukh, S. (2005). The effect of asymmetric information on dividend policy. *Quarterly Journal of Business & Economics*, 44, 107-127.
- * Dunn, K.A. and Mayhew, B.W. (2004). Audit firm industry specialization and client disclosure quality. *Review of Accounting Studies*, Vol. 9, pp. 35-58.

یادداشت‌ها

- ¹ Schipper
- ² Dunn and Mayhew
- ³ Balsam
- ⁴ Klein
- ⁵ Beasley and Petroni
- ⁶ Carcello
- ⁷ Tsui
- ⁸ Kwon
- ⁹ Healy and Wahlen
- ¹⁰ Park and Shin
- ¹¹ Chou
- ¹² Teoh
- ¹³ Levitt
- ¹⁴ Roychowdhury
- ¹⁵ Healy
- ¹⁶ DeFond and Jiambalvo
- ¹⁷ Spence and Zeckhauser
- ¹⁸ Jensen and Meckling
- ¹⁹ Shleifer and Vishny
- ²⁰ Gillan and Starks
- ²¹ Deshmukh
- ²² Kanagaretnam
- ²³ Rutherford and Buchholtz
- ²⁴ Chen
- ²⁵ Elbadry
- ²⁶ Karamanou and Vafeas
- ²⁷ Beasley
- ²⁸ Vafeas
- ²⁹ Xie
- ³⁰ Abbott
- ³¹ Beekes
- ³² Krishnan
- ³³ Abbott and Parker
- ³⁴ Sun and Liu
- ³⁵ Habib and Bhaiyan
- ³⁶ Warfield

- * Spence, M., and R. Zeckhauser. (1971). Insurance, Information and Individual Action. *American Economic Review*, May, 380-91.
- * Sun, J. and Liu, G. (2013). Auditor industry specialization, board governance, and earnings management. *Managerial Auditing Journal*, Vol. 28 No. 1, pp. 45-64.
- * Teoh, S., Welch, I. and Wong, T. (1998a). Earnings management and the long run underperformance of seasoned equity offerings. *Journal of Financial Economics*, 50, 53-100.
- * Teoh, S., Welch, I. and Wong, T. (1998b). Earnings management and the subsequent market performance of initial public offerings. *Journal of Finance*, 53, 1935-1974.
- * Tsui, J.S.L., Jaggi, B. and Gul, F.A. (2001). CEO domination, growth opportunities, and their impact on audit fees. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, Vol. 16, pp. 189-208.
- * Vafeas, N. (2000). Board structure and the informativeness of earnings. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 19, pp. 139-60.
- * Vafeas, N. (2005). Audit committees, boards, and the quality of reported earnings. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 22, pp. 1093-122.
- * Warfield, T., Wild, J. and Wild, K. (1995). Managerial ownership, accounting choices, and informativeness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 20, 61-91.